

پروفسور داوید کوبیدزه

روستاوه‌لی و ادبیات فارسی

روابط ادبی فارسی و گرجی ریشه‌های بسیار کهن دارد. دانشمندان خاورشناس ثابت کرده‌اند که گرجی‌ها نام بسیاری از قهرمانان حماسه‌ایرانی را قبل از آن‌هم که روایت گرجی «شاهنامه» در وجود اید میدانسته‌اند. مثلاً اسم «اسپندیات» که در شاهنامه فردوسی اسفندیار آمده از قدیمیترین ایام در میان گرجی‌ها متداول بوده است. در زبان فارسی باستان این اسم به شکل «اسپندیات» و در تاریخ «گرجستان» تالیف سده یازدهم میلادی بصورت «اسپندات» دیده میشود.

ظاهراً شاعرانی که انواع روایت‌های «شاهنامه» را به زبان گرجی میسروده‌اند بویژه همین شکل اسم را انتخاب کرده‌اند (هرچند که در آثار قدیمی‌تر به «اسپندیات» و در آثار جدیدتر به «اسفندیار» هم برمیخوریم).

اسم «برزو» یا «برزئو» یا «بورزئو» در اثر رثائی کلیسایی «یفستافی متسختی» متعلق به سده ششم دیده میشود. نام «بیوراسپ» یا «اژی‌دهاک» (و به گفته فردوسی «ضحاک») نیز که نزد ملت‌های خاوری شهرت دارد از راه آثار قدیمی گرجی مانند «تاریخ گرجستان» و غیره به دوران مارسیده است. همچنین پاره‌ای از اسامی مذکور در شاهنامه (مانند رستم و ته‌مین و سام و زال و غیر آن) در یادگارهای هنری دوران کلاسیک گرجستان (سده‌های دهم تا دوازدهم میلادی) دیده میشود.

در دوران کلاسیک، آثار برجسته ادبیات فارسی مانند «ویس و رامین»، «شاهنامه»، «کلیله و دمنه» و غیر آن به زبان گرجی ترجمه شده ولی از آن میان تنها ترجمه «ویس و رامین» اثر فخرالدین گرگانی محفوظ مانده و بدست مارسیده است. ظاهراً متن گرجی این منظومه میتواند نقش مهمی در امر تجدید و تصحیح متن فارسی داشته باشد.

آکادمیسین ایوان جاواخیشویلی، دانشمند و محقق تاریخ گرجستان درباره روابط ادبی فارسی و گرجی در دوران کلاسیک میگوید که «شعر

فارسی تأثیر بزرگی در شعر گرجی داشته است و مردم گرجستان آنرا مانند خود ایرانی‌ها دوست میداشتند... شعر و فرهنگ موجب یگانگی زندگی معنوی ایرانیان و گرجیان میگردد و بجای دشمنی محبت بود نه میانشان بسط و فزونی مییافت. « (۱)

این نزدیکی ادبیات گرجی و ایرانی موجب بروز این عقیده در برخی از دانشمندان شد که منظومه « پهلوان پلنگینه پوش » اثر روستاوولی اثری بدیع و ابتکاری نیست، بلکه ترجمه‌ای است از یک اثر فارسی. بهمین سبب هم دانشمندان مدتها به جستجوی اصل منظومه روستاوولی در عالم ادبیات ایرانی پرداختند اما نتوانستند چنین چیزی بیابند.

نخستین دانشمند گرجستان بنام واختانک ششم (سده های ۱۷-۱۸) که اقدام به نشر منظومه نامبرده کرد و خود زبان و ادبیات فارسی را میدانست، پس از سالیان دراز جستجوی منابع مورد استفاده روستاوولی اعلام کرد که در ایران چنین داستانی نه در ادبیات شفاهی عامیانه وجود دارد و نه در ادبیات کتبی.

پس از واختانک، دانشمندان بزرگی مانند نیکلای مار و یوستین آبولادزه به تحقیق درباره ارتباط منظومه روستاوولی با عالم ادبیات ایران پرداختند. آنها هم سالیان دراز با کمال دقت هر یک از ادوار ترقی و تکامل ادبیات فارسی را بررسی کردند اما نتوانستند به تالیفی شبیه منظومه روستاوولی برخورد کنند.

درست است که در منظومه « پهلوان پلنگینه پوش » زندگی ملت‌های عرب و هندی و غیره وصف شده و قهرمانان آن پیرو دین اسلام هستند، ولی این همه را نمیتوان دلیلی بر آن گرفت که جهان بینی گوینده منظومه بر پایه عقاید و آرمان‌های اسلامی بنا شده است و بنابر این اثر نامبرده نمیتواند از یک شاعر مسیحی باشد بلکه ترجمه‌ای است از یک اثر فارسی که باقی نمانده و بدست ما نرسیده است.

بررسی عمیق جنبه‌های عقیدتی و هنری منظومه حاکی از آن است که گوینده آن شاعری کاملاً علاقمند به ملیت خود بوده و در اثر وی پدیده‌های تاریخی و زندگی ملت گرجی در زمان ملکه تامارا (سده ۱۲) به زبان کنایه انعکاس یافته است و خود منظومه نیز بمنزله جمع‌بندی پیشرفت‌های شعر گرجی و مرحله نهائی جریان طولانی تکامل ادب و فرهنگ و اندیشه فلسفی گرجستان است که آغاز آن مارا به اعماق روزگاران کهن میکشاند.

روستاوولی، شاعر گرجی، بدون تردید در رشته‌های مختلف دانش و هنر و ادبیات عصر خود دارای معلومات عمیق بوده زبان‌های یونانی و لاتینی و فارسی و عربی و زبان‌های دیگر ملل متمدن آن زمان را میدانسته و بدیهی است که آثار شاعران پرنبوغی مانند هومر و فردوسی و گرگانی و نظامی و دیگران را به زبان اصلی میخوانده است.

۱- ای. جاواخیشویلی: تاریخ ملت گرجی، جلد ۲، تفلیس ۱۹۴۸

آشنائی روستاوه‌لی با ادبیات فارسی از اینجا پیدا است که در منظومه‌ی وی نام قهرمانانی از آثار ادبی فارسی ذکر میشود، مثلاً رستم از «شاهنامه» فردوسی و قیس از «لیلی و مجنون» نظامی و ویس و رامین از منظومه‌ی به‌همین نام فخرالدین گرجانی و سلمان از منظومه‌ی «سلمان» اثر گوینده‌ای مجهول که بر پایه‌ی ترجمه‌ی عربی ابن اسحق مورد استفاده‌ی روستاوه‌لی قرار گرفته بوده است.

در سده‌های یازدهم و دوازدهم میلادی که دوران رونق و ترقی فوق‌العاده‌ی علوم و ادبیات گرجی است میتوان تصور کرد که ترجمه‌های گرجی آثار فوق‌الذکر وجود داشته. ولی اصل مطلب این است که روستاوه‌لی، چنانکه از تطبیق روایت گرجی «ویس و رامین» با متن «پهلوان پلنگینه‌پوش» معلوم گردیده از اصل فارسی آنها استفاده می‌کرده است نه از ترجمه آنها.

برای بررسی همه‌جانبه خلاقیت طبع روستاده‌لی لازم است همه مسائل مربوط به پیوند های منظومه «پهلوان پلنگینه‌پوش» با ادبیات فارسی روشن گردد. نه تنها آثار ادبی فارسی پیش از زمان روستاوه‌لی یا هم‌زمان او، بلکه آثاری هم که شاعران ایرانی پس از روستاوه‌لی ساخته‌اند باید بررسی و مطالعه شود. برای ما هم مسئله تأثیر شعر فارسی در خلاقیت طبع و آثار روستاوه‌لی جالب توجه است و هم مسئله تأثیر متقابل اشعار روستاوه‌لی در شاعران پارسی‌گو.

چنانکه معلوم است، گرجستان مدتهای مدید با ایران مناسبات بسیار نزدیک داشته و تصور این امر دشوار است که گفته شود شاعران ایرانی با ادبیات گرجی آشنا نبوده‌اند و از اثر با عظمت روستاوه‌لی اطلاع نداشته‌اند.

از شاعران نامدار دوران کلاسیک فارسی، کسی که از حیث تفکر شاعرانه و بکار بردن تصویرهای هنری و اشارات و استعارات بیش از همه به روستاوه‌لی نزدیک است، معاصر کهنتر او نظامی است که آثار درخشان خود را در شیروان در همسایگی گرجستان بوجود آورده است.

آثار نظامی همیشه مورد توجه و علاقمندی فراوان شاعران گرجی بوده است. نام قهرمانان نظامی، گذشته از منظومه‌ی روستاوه‌لی، در دیگر آثار ادبی دوران کلاسیک ادبیات گرجستان - از جمله در «تلماریانی» و غیره - نیز دیده میشود. درباره‌ی شاعران دوران «رستاخیز نوین» ادبیات گرجستان (سده‌های ۱۶-۱۷) نیز باید گفت که آنان نظامی را میشناخته‌اند و اصل آثار او را میخوانده زیرا تأثیر خلاقیت طبع وی بوده‌اند، مانند ن. تسی تسیشویلی، مولف روایت گرجی «بهرام‌گور» و دیگران.

چنانکه آکادمیسین کورنلی ککلیدزه Kekelidze ثابت کرده،

روستاوه‌لی بامنظومه «لیلی و مجنون» نظامی آشنا بوده است. (۲) ظاهراً
اواز منظومه دیگر نظامی یعنی «خسرو و شیرین» هم اطلاع داشته است.
شباهت برخی مضامین و وقایع، مثلاً وصف تربیت خسرو پرویز در اثر
نظامی و شرح تربیت تازیئل در اثر روستاوه‌لی، یا نصیحت کردن شاپووه
خسرو را و آفتان‌دیل تازیئل را، - همچنین مشابهت و قرابت برخی
روشهای شاعرانه هر دو سراینده دلیل صحت این گمان میتواند باشد.

در ادبیات علمی بتدریج مدارکی اندوخته میشود که رقابت بین
شاعران کرجستان و شیروان را ثابت مینماید. خاقانی شیروانی، شاعر
معاصر نظامی، زبان گرجی میدانسته (۳) و نظامی کرجستان را خوب
میشناخته است و در آثار خویش آنجا را بنام ابخاز ذکر میکند.

شایان توجه است که در پایان منظومه «خسرو و شیرین» که نظامی
ز دشمنان و رقیبان خود سخن بمیان می‌آورد، از یک شاعر مسیحی هم یاد
میکند. (چاپ وحید دستگردی صفحه ۴۴۴) چنین شاعر مسیحی
میتوانسته است یکی از قصیده‌سرایان گرجی عهد ملکه تامارا، مانند
چاخروخادزه، شافتملی یا خود روستاوه‌لی باشد که بی‌شک پیش از ساختن
و پرداختن منظومه «پهلوان پلنگینه‌پوش» نیز دارای شهرت شاعری
نامدار بوده است.

میتوان موارد دیگری هم درباره قرابت ادبی دو سخن‌سرای گرجی و
فارسی ذکر کرد و تایید نمود که نظامی و روستاوه‌لی شخصاً یکدیگر را
میشناخته‌اند، ولی مهم آن است که جهان بینی دو استاد عالی‌مقام سخن
سخت از یکدیگر متمایز است و این امر در طرز تفکر هنری آنان و در روشهای
تصویری که بکار می‌برند نمایان میگردد.

نظامی پایبند ادراک عرفانی جهان است و بدین سبب قهرمانان او
نمیتوانند آزادانه عمل کنند. مجنون وی اسیر عشق لیلی است و لیلی در
نظرش آلهه واقعی و موجودی دست نیافتنی است.

اما قهرمانان روستاوه‌لی یکدیگر را دوست میدارند و برای وصال
یکدیگر تلاش میکنند و بر مشکلات گوناگون فائق میگردند و سرانجام به
مقصود میرسند. در قیاس با نظامی، روستاوه‌لی پیرو استوار ترره‌آلیسم
است و بیش از آن که ایده‌آلیست زمان خود باشد ماتریالیست است.
روستاوه‌لی سراینده عشق آسمانی دست نیافتنی نیست. او غزل‌سرای
عشق انسانی این جهانی و دوستی ملت‌هاست.

برای روستاوه‌لی عمده همان بسط موضوع است و گوئی شاعر
شتاب دارد که داستانی را حکایت کند. در منظومه او حتی یک مقایسه هنری

باقی در بای صفحه ۷۰

-
- ۲- روستاوه‌لی و نظامی گنجوی - گزارش تحقیقات دانشگاه دولتی
تفلیس، جلد ۱۹۳۶ سال، صفحات ۱۵۷-۱۷۸
- ۳- رجوع شوده اثر یو. ماز: «درباره مسئله تفسیرهای اخیر
خاقانی»، ۱۹۳۵، صفحات ۷-۱۴

فینمبرداری شد. در همان حال هواپیمائی مجهز به دستگاه های آشسف نوترون و اشعه گاما در منطقه مورد تجسس رادار دزپرواز بود و نتیجه مشاهدات بوسیله رادار و هواپیما هر دو روی یک نوار ضبط میشد. دانشمندان میخواستند بدانند آیا رابطه ای بین شمارش نوترون ها و اشعه گاما از یک طرف و عبور اجرام شهابی از طرف دیگر موجود است. این آزمایش در فصل های مختلف سال در مورد بیست جریان شهابی تکرار شد. نتیجه ای که بدست آمد این بود که واقعا عبور شهاب در آتمسفر با ظهور نوترون ها و اشعه گاما همراه است. ولی آیا میتوان این امر را دلیلی بر آن دانست که شهاب ها و در نتیجه ستاره های دنباله دار برآستی از ضدماده تشکیل شده اند؟ دانشمندان انستیتو جانب احتیاط را رعایت میکنند و احتمال آن را که مشاهداتشان شاید علت دیگری داشته باشد مردود نمیشمارند. همینقدر میگویند که تبیین آن بکمک فرضیه ضدماده باور کردنی تر نیست. آزمایش های تازه میتواند در این زمینه اطلاعات درست تری بدست دهد. نتایجی که دانشمندان لنینگراد بدست آورده اند بویژه از آن رو جلب توجه میکند که طبق اطلاع مجله انگلیسی نیچر **Nature** اندازه گیری های دانشمندان امریکائی آنان را باین نتیجه رسانده است که شهاب تونگوزکا (که در اوایل قرن بیستم در ناحیه ای از سیبری سقوط کرد) احتمالا از ضدماده تشکیل شده بوده است. اگر این نظریه به تأیید برسد میتوان نتیجه گرفت که وجود ضدماده برخلاف آنچه قبلا تصور میرفت چندان هم در حول و حوش کره زمین امری نادر نیست.

روستاوهلی و ادبیات فارسی

مانده از صفحه ۱۸

یایک استعاره نمیتوان یافت که بر اثر شور شاعرانه بکار رفته باشد. هر نقش هنری جز طبیعی و آلی داستانسرایی اوست و حال آنکه در آثار شاعران شرقی تشبیهات و استعارات اکثرانه برای بسط موضوع بلکه برای زیبایی و آرایش اثر بکار برده میشود. ازینروست که بدون هیچ زیانی برای بیان داستان میتوان مقداری از مطالب رادر آن آثار حذف کرد و حال آنکه در منظومه روستاوهلی این کار امکان پذیر نیست. در تاریخ ادبیات جهان بدشواری میتوان شاعری جز روستاوهلی یافت که بدینگونه و با چنین توانائی موضوع داستان خود را بسط دهد.

در منظومه «پهلوان پلنگینه پوش» هر واقعه چنان با دقت بنظم درآمده است که خواننده پس از آشنائی با آن نمیتواند موضوع واقعه بعدی را بحدس دریابد. مطالب و وقایع بارشته های نامرئی با یکدیگر پیوند یافته است و آن هم با چنان مهارت و ذوق و استعدادی که از این نظر نمیتوان نظیری برای او در میان شاعران یونانی و شرقی جست.